

خطر تصمیم‌های تک‌بعدی

✚ مصوبه دریافت جریمه برای نزن ماسک از سوی شهروندان توسط ستاد ملی مبارزه با کرونا تصویب و ابلاغ‌شده، اما موضوع این است که اصولاً قوانین و مقررات در صورتی پیاده‌سازی می‌شود که قابلیت اجراشدن داشته باشد. باید پرسید این قانون برای کارگری که هرروز از اتوبوس و مترو استفاده می‌کند، چقدر قابل اجراءست؟ اصلاکدام زیرساخت‌های اجرایی برای این‌که این کارگر بتواند قانون را اجرا کند، فراهم‌شده است؟ هزینه اجباری شدن ماسک اقشار کم‌بضاعت جامعه را چه نهادی می‌پردازد و چرا می‌خواهیم بدون در نظر گرفتن همه جوانب به سید هزینه این خانوارها، هزینه‌ماسک را نیز تحمیل کنیم. باوجوداین، البته باید اذعان کرد طرح دریافت جریمه برای استفاده نکردن از ماسک می‌تواند طرح مناسبی برای جلوگیری از شیوع بیشتر کرونا در کشور باشد، اما این طرح در صورتی ضمانت اجرایی خواهد داشت که در پیوست آن ما به فکر اقشار کم‌درآمد جامعه نیز باشیم. بنابراین سؤال اصلی این است: ستاد ملی مبارزه با کرونا که دستورالعمل‌هایی را برای اجرای این طرح تنظیم و ابلاغ کرده، چقدر به زیرساخت‌های اجرایی شدن آن توجه داشته است؟

نکته مهم دیگری که درباره مصوبه اخیر باید به آن توجه داشت، این است که در این مصوبه برای بیماران مبتلایه کرونایی که از قرنطینه می‌شوند و به محل کار می‌روند، جریمه تعیین‌شده است. اما آیا مسئولان ستاد ملی مبارزه با کرونا حواس‌شان بوده که اغلب بیماران مبتلایه کرونا فقط برای تأمین معاش خود از منزل خارج می‌شوند، چراکه هزینه‌های درمان، تهیه دارو و خوردوخوراک برای هیچ‌کدام از این بیماران رایگان نیست و آنها حتی برای بهتر شدن اوضاع سلامت خود نیز باید پول زیادی را پرداخت کنند. یعنی کارگران روزمزد یا سایر اقشار کم‌درآمد اگر به بیماری مبتلا شوند، باید کار کنند تا بتوانند هزینه درمان خود را بپردازند.

بنابراین اگر سرویس‌دهی به بیماران کرونایی رایگان بود و لازم نبود بیمار برای تأمین هزینه‌های خود به بیرون از خانه بیاید، می‌توانستیم قانونی را وضع کنیم که براساس آن، شخص بیمار لازم نباشد به بیرون از منزل برود و بتواند با خیال راحت در بیمارستان یا قرنطینه خانگی بماند و کادر درمان به او کمک کنند تا زودتر به سرکار برگردد. اما متأسفانه این اقدام از سوی وزارت بهداشت و درمان که پیشانی مبارزه با بیماری کروناست، انجام نمی‌شود.

در این میان، وظیفه رئیس ستاد ملی مبارزه با کرونا هم این است که بر عملکرد تمام اعضای ستاد ازجمله وزارت بهداشت و درمان و سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها نظارت لازم را داشته باشد، اما در ماه‌های اخیر شاهد نظارت و پیگیری مناسب از سوی ایشان نبوده‌ایم. البته اخیراً قرار شده نیروهای مسلح نیز برای مبارزه با کرونا به ستاد ملی کمک کنند و با توجه به همه کمبودهای موجود در نظام درمانی کشور، می‌توان این اتفاق را به فال نیک گرفت. زیرا نیروهای مسلح ظرفیت‌های زیادی دارند که با همکاری آن حتی می‌توان به اجرایی شدن و تأمین زیرساخت‌های طرح وضع جریمه برای ماسک نزنن از سوی شهروندان نیز امیدوار بود.



فضای خاکی، جولان سگ‌های ولگرد و دورافتادگی ۳۰ چالش عمده مردمی است که با زندان تهران بزرگ سروکار دارند

عکس‌ها:

چاوش هماوندی جام جم

کاهش شدید ذخایر خونی در تهران

محمدرضا مهدی‌زاده، مدیرکل انتقال خون استان تهران از کاهش شدید و محسوس ذخایر خونی در پایتخت خبر داد و گفت: بیش از ۱۶۰ مرکز درمانی تهران در حالت هشدار قرار دارند. به گفته وی نیاز روزانه مراکز درمانی استان تهران به فرآورده‌های خونی، حدود ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ واحد خون است که برای تأمین آن به مشارکت بیشتر جدی‌تر مردم در مراکز اهدای خون نیاز است. / جام‌جم‌دیلی



بلا تکلیف‌ترین نقطه دنیا

خانواده زندانیان ندامتگاه تهران بزرگ از مشکلاتی می‌نالند که هیچ نهادی حل آنها را به گردن نمی‌گیرد



مریم خباز

جامعه

✚ این سوژه‌ای پرمخاطره بود، یک سوژه اعصاب خرد کن، از آنها که به خاطرش باید به صغیر و کبیر زنگ زد، از آنها که برایش می‌دوی و به هیچ جانی رسی، از آن سوژه‌ها که آخرش مجبوری به افسوس سرتکان بدهی و رنج‌هایت را بریزی توی دلت. این سوژه از چند نامه شروع شد، از نامه‌هایی که سربرگ ندامتگاه تهران بزرگ را داشت و مددجویانش به حضرت عباس (ع) قسم‌مان می‌دادند که آن را بغواتیم و پیگیر باشیم. ندامتگاه تهران بزرگ می‌دانستیم وسط بیابان‌های حسن‌آباد و درجاده کوری چرمشهر است. می‌دانستیم زندان پهلوی قصر که از تهران رفت و باغ موزه شد، اسم عوض کرد و با نام ندامتگاه تهران بزرگ در این بیابان‌ها ساخته شد. ما خبر داشتیم درجاده چرمشهر، جایی که چندان دور از کهریزک و آزادکوه و رودشور نیست، در نزدیکی‌های شهر حسن‌آباد، این زندان بار اضافه شده‌است. صحنه‌هایی که یک روز یکشنبه، وسط همین بیابان‌ها دیدیم، حرف‌هایی که شنیدیم، ترسی که احساس کردیم و غربتی که چشیدیم اما فراتر از دانسته‌های ما بود. ندامتگاه تهران بزرگ حالا در ذهن ما یک چیز دیگر است، یک زندان است با ۱۶ هزار زندانی که برای رسیدن به آن یک جاده

✚ یک‌جماعت‌کلافه

جاده بوی دود می‌دهد، پژو که به راست می‌پیچد جاده بوی آشفال هم می‌دهد. تریلی‌ها سیر به سیرهم داده‌اند و از کنار حصار کاگهلی می‌گذرند. از پشت این حصار، برچک‌ها سرک می‌کشند. تصویر مثل فموره رخ شطرنج است که از آن دور، وسط بیابان‌ها ظاهر می‌شود. جاده پارک است، تریلی‌ها حاکم این جاده‌اند و تک و توک سواری‌ها مثل فنجان از کنار فیل رد می‌شوند. یک سواری می‌پیچد توی خاکی، راه گرد و خاک می‌کند و غبارش کش می‌آید تا جلوی کیوسک خالی نگهدانی و می‌نشیند روی تن سگی زرد، سگ دارد پرسه می‌زند. پای‌زنی پیچ می‌خورد، دولا می‌شود و مچش را می‌مالد. مردی صورت عرق کرده‌اش را باد می‌زند، پسری به موهای خپس خود دست می‌کشد و زنی با چشم‌های ریزش زل می‌زند به جاده. ماهرو از کرمانشاه آمده، برای پرسش آمده نامهای بگیرد و برود. تنها هم آمده؛ ماهرو مرد ندارد. او با اتوبوس از سنقر آمده به تهران، از تهران با مترو به کهریزک و از کهریزک با سواری به زندان. خرج همین چند کورس شده ۱۰۰ هزار تومان و با برگشت می‌شود ۲۰۰ هزار. ماهرو می‌گوید: «دستم خالی است، از کجا بیاورم.»

ماهرو نشسته روی پله‌ای سیمانی، کنار سگ‌های امید در سایه، سایه پارک است و پر از سگ؛ سیاه، زرد، خال‌خالی. سگ‌ها همه ماده‌اند و گوش‌هایشان پلاک شده. باید عقیم شده باشند، پوزه‌هایشان را آسوده مالیده‌اند به راه و رهگذران که می‌گذرند چشم‌با زنی‌کنند. کنار سگ‌ها مردی نشسته روی زمین و تکیه داده به دیوار سالن مددکاری، به دیوار اتفاقی خالی با دو پنجره کوچک که دو کارمند از آن دست دراز می‌کنند و کاغذی می‌گیرند و

کاغذی می‌دهند. مرد از ترس کرونا داخل اتاق نشده، می‌گوید اتاق خفه است، ماهرو هم آنجا نفغشش تنگ می‌شود، دو زن که از کرج آمده‌اند هم ترجیح داده‌اند خستگی را روی زمین در کنند. مانتوی مرضیه خاکی شده، او روی زمین، روی بوته‌های نیمه خشک، خوابیده تا خستگی‌راه را بگیرد، راضیه هم‌کنارش دراز کشیده و دست را سایبان صورت کرده؛ کلی هم ترسیده‌اند از این بیابان بی‌انتها.

زیر سایبانی قراضه با اسقف‌های ایرانیتی، دو نیمکت آهنی جای نشستن است. نیمکت پشتی ندارد و کمر رویش قوز می‌شود. از زیر سایبان تا چشم‌کار می‌کند بیابان است و بیابان. باد می‌وزد و خاک بلند می‌شود و گرد و غبار می‌نشیند روی سر و صورت زن‌ها و مرد‌ها از پشت عینک، چشم‌ها را که خاکی شده می‌مالند. صورت مرد را آفتاب زده، از هفت صبح اینجاست و خورشید چند ساعتی برای سوزاندنش وقت داشته. او می‌گوید هر دفعه‌که می‌آیم همین است، اما خدا به زمستان رحم کند.

نجمه زمستان ندامتگاه تهران بزرگ را دیده. یک بطری کوچک آب معدنی خریده و با ترس و لرز زل زده به سگ‌ها. می‌گوید هوا که سرد شود این سگ‌ها که الان سست و بی‌حالتد وحشی می‌شوند و حمله می‌کنند، بعد روی هوا چنگ می‌زند و ترس‌اش از سگ‌های ولگرد را باخطوطی زاویه‌دار نقاشی می‌کند.

✚ مسیر وحشت

آمده بودند ملاقات که سواری تصادف کرد و دو زن که مادر و خواهر علی بودند لای قراضه‌های ماشین جان دادند. فرشاد قرار بود آزاد شود و خانواده برگردد سر خانه و زندگی‌اش که پراید

طرح مجلس برای اصلاح ساختار سربازی

محسن دهنوی، عضو هیات‌رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: به‌زودی طرحی جامع برای اصلاح ساختار فعلی سربازی در مجلس ارائه خواهد شد. وی افزود: فرآیند فعلی سربازی، آسیب‌های زیادی به همراه داشته و موجب اتلاف عمر جوانان شده از این رو نمایندگان ملت در مجلس به دنبال جمع‌آوری نظرات متخصصان و بررسی ایده‌های مردمی درباره اصلاحات مورد نیاز در دوره سربازی و تهیه طرحی جامع در این‌باره هستند. / ایسنا



و مسئولان محلی مطمئنند که این موضوع فقط مایه مصیبت بوده و تنها بار زندان را از دوش شهر تهران برداشته و به دوش شهر حسن‌آباد فشافویه انداخته.

در این نقطه از جغرافیای استان حالا یک گره کور وجود دارد که نام رسمی‌اش ندامتگاه است و با این که دست‌های زیادی برای بازکردن این گره وجود دارد اما هیچ دستی برای گره‌گشایی پیشقدم نمی‌شود. در تلاش برای یافتن پاسخ این سوال که بالاخره چه نهادی مسؤول ساماندهی مشکلات است با ده‌ها نفر تماس گرفتیم و روزها معطل شدیم و تلخی سکوت یا بدقولی عده‌ای را نیز به جان خریدیم، در نهایت هم به نتیجه‌ای نرسیدیم جز این که مشکلات زندانیان و خانواده آنها توبی است که میان مسؤولان پاسکاری می‌شود.

در این پاسکاری نام چند نهاد تکرار می‌شود، از شهرداری تهران تا شهرداری و شورای شهر حسن‌آباد و فرمانداری ری و بخش‌داری فشافویه. این‌ها همگی مسؤولیت را متوجه دیگری می‌دانستند و وقتی ما از آنها سندی دال بر درستی گفته‌شان می‌خواستیم سکوت می‌کردند. فرمانداری ری به ما گفت مسؤولیت حل‌وفصل مشکلات را تماماً برعهده بخش‌داری فشافویه گذاشته، بخش‌دار فشافویه اما گفت همه مسؤولیت‌ها متوجه شهرداری تهران است، بعد از روزها معطل گذاشتن ما نیز دیگر حاضر به ارائه توضیحات تکمیلی نشد. رئیس شورای شهر حسن‌آباد اما در نخستین تماس ما حرفش را زد و گفت این شورا هیچ مسؤولیتی در قبال مشکلات ناشی از زندان ندارد بلکه مجموعه مدیریت شهری تهران که سنگینی بار زندان را به دوش شهر حسن‌آباد انداخته باید مسافرش‌ها رفته باشند کسی هست که به یکی از این‌ها زنگ می‌زند تا درستی کار کنند. قیمت هر پراید درستی از متروی کهریزک ۶۰۰ هزار تومان است که آدم‌های بیشتری توان پرداخت ندارند. مرد تکیه داده به دیوار سالن مددکاری، با این که هر بار با ماشین شخصی‌اش به زندان می‌آید ولی می‌داند در مسیری که نه مترو، نه اتوبوس و نه حتی تاکسی و آژانس پیدا نمی‌شود مردم چه رنجی می‌کشند. او تابه حال بارها عده‌ای را سوار کرده و صلواتی آنها را تا جایی رسانده ولی می‌گوید این که نمی‌شود. او که حرف می‌زند ماهرو با زانوهایی خسته از ایستادن، از راه می‌رسد و فکر و خیال کرایه برگشت را با نچ‌نچ نشان می‌دهد.

✚ مشکلات ابدی

سال ۸۴ که زندان ۱۲ هکتاری قصر با بیش از

۱۲ میلیارد تومان توسط شهرداری تهران خریده شد، مردم منطقه هفت تهران از هجرت زندان از محله‌شان خوشحال شدند اما مردم حسن‌آباد و فشافویه، حتی زندانیان قصر و خانواده آنها نمی‌دانستند این انتقال باعث خوشحالی است یا غم. ۱۵ سال پس از این جابه‌جایی اما مردم



تومان نیز بابت این کار به سازمان زندان‌ها پرداخت شده و امید می‌رود تا این سالن هرچه زودتر افتتاح شود.

محسن منصوری اما زمان دقیق را نمی‌دانست ولی حتی اگر این سالن در سریع‌ترین زمان ممکن نیز ساخته شود فقط گوشه‌ای از مشکلات را پوشش می‌دهد، نه همه‌اش را.

